

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies

Vol. 17, No. 2, (Serial. 34), Summer 2024

 10.30497/qhs.2023.244666.3786

Compromise between the Verses of Distortion and the Verses of Confirmation of the the New and Old Testaments based on Shia Traditions

Ataollah Bigdeli*

Received: 05/04/2023

Accepted: 10/07/2023

Abstract

Famous Islamic scholars throughout the history of interpretation think that word distortion occurs in the New and Old Testaments. In the contemporary era, the evidence of this opinion has been challenged, Especially, the presence of verses confirming, in the Holy Quran, has made the issue difficult. How can one believe that the the New and Old Testaments are falsified and at the same time acknowledge it And considered the contents of the Torah to be authoritative? Islamic texts (Qur'an and hadiths) do not have a clear and decisive approach in this matter. In particular, the Holy Qur'an has extensive and suggestive verses about the distortion of the Torah and the Bible. But he has adopted a positive position regarding the holy books before him, especially the Torah and the Bible that existed at the time of Prophet Muhammad. In Islamic teachings, the Torah and the Bible are the books of revelation and revelation that were revealed to Prophet Moses and Jesus. Not books written by humans. An independent article focusing on the position of Shia hadiths on this issue has not been published, All the narrations below the verses of confirmation refer to the existence of the signs of Prophet Muhammad's mission and the completeness of the proof against the Jews based on the books they have. hadiths also indicate the occurrence of distortions in all subjects in the New and Old Testaments. The meaning of the texts is that "despite the distortions that occurred in the the New and Old Testaments, regarding the evangelization of Prophet Muhammad, the existing distorted versions also have themes and signs that end the argument against the Jews and Christians". On the other hand, due to the loss of the evidences of the early days of Islam and the incompleteness of the correct interpretations of the covenants, it does not seem that the current books with the common interpretations are conclusive evidence against them. Refer to a library source in the field of Qur'an and Hadith interpretation, analyze themes and try to combine evidence with conflicting themes.

Keywords: *confirmation of the New and Old Testaments, Distortion of the New and Old Testaments, Prophet Muhammad (pbuh), criticism of the hadith.*

* Assistant Professor of Faculty of Social Studies, Department of Law of Imam Hossein University, Tehran, Iran. ataollah.bigdeli@ihu.ac.ir



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۷، شماره ۲، پیاپی ۳۴

بهار و تابستان ۱۴۰۳، صص ۱۸۱-۱۵۹

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2023.244666.3786

جمع بین آیات تحریف عهدین با آیات تصدیق مبتنی بر روایات شیعی

عطاالله بیگدلی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۲ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

مشهور علمای اسلام در طول تاریخ اندیشه تفسیری، قائل به وقوع تحریف لفظی در عهدین هستند. در دوره معاصر، ادله قول مشهور با چالش مواجه شده است، به ویژه وجود آیات تصدیق عهدین در قرآن کریم، مسأله را دشوار نموده است. مسأله پژوهش حاضر آن است که چگونه می توان قائل به مُحَرَّف بودن عهدین بود و هم زمان آن را تصدیق نموده و مضامین تورات را دارای حجیت دانست؟ ضرورت انجام تحقیق آن است که در صورت عدم به دست دادن تفسیری معقول، فهم محکم و متشابه آیات تحریف و تصدیق ممکن نبوده و تفسیر نابه جایی از آیات ارائه خواهد شد. یافته های تحقیق نشان می دهد تمامی روایات ذیل آیات تصدیق، ناظر به وجود نشانه های رسالت رسول الله (ص) و تمام بودن حجت بر اهل کتاب بر اساس کتب موجود نزدشان می باشد. روایاتی نیز دلالت بر وقوع تحریفاتی در تمامی موضوعات در عهدین دارند. وجه جمع قابل قبول بین تمامی مضامین آیات و روایت آن است که با وجود تحریف های رخ داده در عهدین در مورد بشارت به رسول الله (ص)، همین نسخه های تحریف شده موجود نیز دارای مضامین و نشانه هایی هستند که حجت را بر اهل کتاب تمام می نماید. از سوئی با توجه به از دست رفتن قرائن زمان صدر اسلام و مکتوم ماندن تفاسیر عهدین، به نظر نمی رسد کتب فعلی با تفاسیر رایج، تمام کننده حجت بر اهل کتاب باشد.

واژگان کلیدی

تحریف عهدین، تصدیق عهدین، حضرت محمد(ص)، نقد حدیث.

* استادیار گروه حقوق، دانشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

طرح مسئله

در تعلیمات اسلامی، اصل کتاب تورات و انجیل کتاب‌هایی وحیانی و مُنزَل هستند که به حضرت موسی (ع) و عیسی (ع) نازل شده‌اند نه کتاب‌هایی که توسط بشر نوشته شده باشند. در قرآن کریم ده‌ها آیه به صراحت به این سخن دلالت دارند از جمله: «نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أُنزِلَ التَّوْرَةُ وَ الْإِنْجِيلُ» (آل عمران: ۴) و یا: «وَ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (المائدة: ۴۶) و... در روایات اسلامی آمده است که انجیل شب سیزدهم یا بیست و دوم ماه مبارک رمضان نازل شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۲۹). قرآن کریم از آن روی فرقان نام دارد که به تدریج نازل شده است اما تورات و انجیل یک مرتبه نازل شده‌اند، تورات در الواح و انجیل به صورت اوراق کاغذی و به صورت یکجا (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۰، باب ۲۲۲؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۵۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۲۸۴).

مسأله تحریف یا عدم تحریف عهدین، در طول تاریخ اندیشه اسلامی، پرسشی پرسابقه بوده است؛ مسأله کانونی و دشوار از آن‌جا شکل گرفته است که متون اسلامی (قرآن و روایات). در این مسأله، رویکرد صریح و قاطعی ندارند به ویژه، قرآن کریم در مورد تحریف تورات و انجیل آیاتی مجمل و اشاره‌وار دارد. اما در مورد کتب آسمانی قبل از خود و به خصوص تورات و انجیل موجود در زمان رسول‌الله (ص) موضعی مثبت اتخاذ نموده است. حتی در آیه‌ای نام کتاب موجود بین اهل کتاب را «التورات» نامیده (آل عمران: ۹۳) و در آیه دیگری تصریح نموده است که تورات نزد آنان هست و حکم خدا نیز در تورات موجود است (المائدة: ۴۸) و در آیه دیگر به اقامه تورات و انجیل امر نموده است (المائدة: ۶۸). از سوی دیگر روایات شیعی در مورد تحریف کتب اهل کتاب، موضعی صریح‌تر دارند. مسأله اصلی مقاله حاضر، بررسی امکان جمع بین آیات و روایات در مسأله تحریف عهدین است. مسأله آن است که اگر این کتب تحریف شده‌اند، پس چرا قرآن کریم همین کتب موجود را تأیید و حتی مورد ارجاع و تحدی قرار داده است؟

رجوع به منبع کتابخانه‌ای در حوزه تفسیر قرآن و حدیث، تحلیل مضامین و تلاش برای جمع بین ادله با مضامین متعارض. در مقاله پیش‌روی ابتدا مروری اجمالی بر آیات دال بر تحریف و دال بر تصدیق داشته سپس مضمون روایات را دسته‌بندی نموده و سرانجام وجه جمع بین آیات و روایات را بررسی خواهیم نمود.



پیشینه تحقیق

در غالب کتب تفسیری، در ضمن شرح آیات مربوط به عهدین، مفسران به این موضوع اشاراتی داشته‌اند مانند علامه طباطبائی در *المیزان فی تفسیر القرآن* (طباطبائی، ۱۳۵۳ش، ج ۳، ص ۳۱۵). آیت الله مکارم شیرازی در *تفسیر نمونه* و... عموم مفسران بر نوعی تحریف در عهدین صحه گذاشته‌اند، غالب مفسران قدیمی، تحریف لفظی را به صراحت پذیرفته‌اند. (رک: فتحی، ۱۳۸۸ش؛ طباطبائی، ۱۴۰۱ق). تنها به عنوان نمونه برای دیدن یک حمله شدید به انجیل‌های موجود (ر.ک: ابن حزم، ۱۴۰۵ق، ج ۲، صص ۲۲۷-۲۱۵).

مهم‌ترین کتابی که در این زمینه نگاشته شده است اثر محمدعلی طباطبائی با عنوان «تاریخ تحریف باوری در اسلام» است (طباطبائی، ۱۴۰۱ق). چند مقاله مهم نیز در این موضوع منتشر شده است از جمله بهرامی در مقاله «نقد مستندات قرآنی نظریه تحریف کتاب مقدس» معتقد است آیات قرآن بر تحریف لفظی کلی و جزئی عهدین دلالت ندارند (بهرامی، ۱۳۸۲ش). فاریاب در مقاله‌ای با عنوان «تحریف تورات و انجیل از دیدگاه قرآن» موضوع را بررسی نموده است و او نیز دلالت آیات بر تحریف لفظی را تمام نمی‌داند (فاریاب، ۱۳۸۸ش). فتحی، در مقاله «قرآن کریم و موضوع تحریف‌گری اهل کتاب به ویژه یهود» به تفصیل آراء مفسران اسلامی را در مورد تحریف جمع‌آوری و دسته‌بندی نموده است، نتیجه پژوهش نشان می‌دهد همگی مفسران معاصر و قدیمی قائل به تحریف معنوی و اکثریت، قائل به تحریف لفظی نیز هستند (فتحی، ۱۳۸۸ش). زادیک در مقاله «مباحثات دینی شیعیان امامی با یهودیان در اواخر قرن هجدهم و نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی» نشان داده است یهودیان مسلمان شده و علمای شیعه، در مناظرات با یهودیان در قرن هجدهم و نوزدهم، بارها به تحریف‌شده بودن تورات اشاره کرده‌اند و آن را امری مسلم می‌دانسته‌اند (زادیک، ۱۳۸۸ش).

«موننگمیری وات» در کتاب «اسلام و مسیحیت در عصر حاضر» فصلی را به بحث تحریف اختصاص داده و از عدم صراحت آیات در تحریف‌شدن کتب مقدس و بر ساخته بودن نظریه تحریف در دوران فتوحات اسلامی دفاع می‌نماید و آن را ناشی از برخورد اولیه مسلمین با مسیحیان و در گرفتن مباحث کلامی بین این دو دین می‌داند (وات، ۱۳۸۹ش). احمدی در مقاله‌ای با عنوان «تأملی در تفسیر آیه شریفه «یحرفون الكلم عن مواضعه»» مضمون آیات تحریف را ناظر به کتمان ناظر به فرامتن می‌داند نه تحریف لفظی (احمدی، ۱۳۹۱).

توفیقی در ضمن مقاله‌ای کوتاه در کتاب خود از عدم صراحت آیات قرآنی در تحریف عهدین دفاع نموده است (توفیقی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴). مسعودی و صادق‌نیا در مقاله «الهامی بودن تورات به روایت قرآن کریم و سنت دینی یهود» از رویکرد عدم تحریف کتب مقدس دفاع نموده‌اند (مسعودی و صادق‌نیا، ۱۳۹۶ ش). سلامی و ایازی، در مقاله «مقصود از تورات و انجیل در قرآن» نشان داده‌اند که مقصود قرآن کریم از تورات و انجیل، کتب موجود در زمان پیامبر است نه نسخ قدیمی‌ای که در دسترس نیستند (سلامی، ایازی، ش ۱۳۹۷).

طباطبائی و همکاران، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کاربردشناختی آیات تصدیق برای پاسخ به مسأله تحریف تورات و انجیل» آیات تصدیق را محکم و آیات تحریف را متشابه و قابل تفسیر دانسته از رویکرد عدم تحریف دفاع کردند. آنان ایجاد رویکرد تحریف را به قرن سوم و تحولات اجتماعی سیاسی جهان اسلام نسبت می‌دهند و معتقدند در قرون اولیه اسلام، اصولاً مسلمین قائل به محرف بودن عهدین نبوده‌اند (طباطبائی و همکاران، ش ۱۳۹۸). همان‌گونه که اشاره شد، مضامین این مقاله در کتاب «تاریخ تحریف باوری در اسلام» به تفصیل رسید و در سال ۱۴۰۱ منتشر شد.

از گزارش پیشینه روشن می‌گردد مفسران قرآن کریم در طول سده‌های متوالی بر تحریف عهدین پافشاری نموده‌اند و علی‌رغم وجود ابهاماتی در آیات قرآن کریم تلاش داشته‌اند این ابهام را به نفع تحریف، تفسیر نمایند. اما در دو دهه گذشته رویکرد غالب در کتب و مقالات، دفاع از آیات تصدیق، و نفی تحریف کتب مقدس بوده است، انگاره‌ای که هنوز در بدنه فکری اندیمشندان اسلامی، سخنی عجیب برشمرده می‌شود. نقطه ضعف غالب آثار مورد اشاره، عدم توجه به روایات منابع شیعی در مورد تحریف عهدین بوده است، هرچند در برخی از متون اشارتی به روایات اسلامی شده است (طباطبائی، ۱۴۰۱ ش، فصل سوم). اما هیچ‌یک از این آثار به صورت خاص مستندات روایی را مورد بحث قرار نداده‌اند و به ویژه تا کنون هیچ مقاله‌ای از منظر روایات، موضوع تحریف عهدین را بررسی ننموده است. لذا به نظر می‌رسد تمامی مقالات مورد اشاره، دارای این ضعف روشی هستند که در تفسیر و فهم آیات، به روایات مراجعه روش‌مند نموده‌اند و نتایج حاصله از تتبعشان، از منظر روش فهم قرآنی اهل بیت قابل اتکاء نیست.



۱. بررسی آیات دال بر تحریف

برای گزارش یافته‌های پژوهش ابتدا، آیات دال بر تحریف، سپس آیات دال بر تصدیق را از منظر مفسران مورد بررسی قرار می‌دهیم سپس مضمون روایات را نقل و وجه جمع بین آن‌ها را ارائه خواهیم داد. تمرکز موضوعی مقاله حاضر، بررسی روایات حوزه تحریف عهدین است؛ اما از آن روی که هدف نهائی، به دست دادن جمعی معقول از آیات قرآن کریم است مروری بر آیات دال بر تحریف و آیات دال بر تصدیق ضروری است:

مهم‌ترین آیاتی که به نفع تحریف مورد استدلال قرار گرفته‌اند آیات زیر هستند:

۱- «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرُفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (البقره: ۷۵) (آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟!...) «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِّمَّا يَكْسِبُونَ» (البقره: ۷۹) (پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند؛ و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند!).

غالب مفسران سنی و شیعه، این دو آیه را صریح در «تحریف لفظی تورات» می‌دانند هر چند در موضوع تحریف اختلاف دارند و غالباً موضع را صفات رسول الله (ص) دانسته‌اند به عنوان نمونه: طبری روایاتی نقل نموده که منظور آیات را قومی از یهود می‌داند که کتابی بر خلاف کتاب نازل شده بر حضرت موسی (ع) نگاشتند و آن را به مردم بی‌خبر فروختند، در روایتی این مردم بی‌خبر، عرب‌ها دانسته شده‌اند. در روایت دیگری موضوع تحریف صفات رسول الله (ص) بوده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۰۰). فخر رازی این آیه را صریح در تحریف به قصد مال و جاه می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۶۵). بیضاوی احتمال داده است آیه ناظر به تأویلات تحریفی باشد (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۰). سیوطی روایاتی نقل نموده که طبق آن‌ها موضوع آیه عذاب علمای یهود است که تورات را تحریف نمودند و هرچه دوست داشتند بر آن افزودند و پاک کردند و صفات بدنی رسول الله (ص) را از تورات پاک کردند و صفات دیگری اضافه کردند تا ایشان شناخته نشود (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۲).

آلوسی نیز وجوه مختلف را نقل نموده از جمله تحریف مضمون که خداوند به حضرت موسی (ع) در کوه طور وحی نمود، تحریف صفات رسول الله (ص) در عصر ظهور و... (آلوسی،

۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۹۸). شیخ طوسی نیز این آیه را صریح در نسبت دادن قول و حکم خود به خداوند می‌داند (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲۲). طبرسی نیز قول مطلق تحریف را تأیید و قوی‌تر از تحریف صفات خاص رسول‌الله (ص) در متون یهودی می‌داند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۹۲). علامه طباطبائی نیز ضمن تفسیر آیات، از تحریف صریح لفظی تورات دفاع می‌نماید (طباطبائی، ۱۳۵۳ش، ج ۱، ص ۲۱۳). آیت الله مکارم قائل است آیه ۷۵ ناظر به تحریف سخنان خداوند در کوه طور از سوی یهودیان حاضر در آن‌جا و آیه ۷۹ ناظر به تحریف اوصاف رسول الله (ص) از سوی علمای یهود در عربستان زمان ظهور است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۱۸).

۲- «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ يَتُولُونَ سَمِعَنَا وَ عَصَيْنَا وَ اسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَ رَاعِنَا لِيَا بِاللَّسِيَّتِهِمْ وَ طَعْنَا فِي الدِّينِ» (النساء: ۴۶). (بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند؛ و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می‌گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم!» و (نیز می‌گویند: بشنو! که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می‌گویند: راعنا [= ما را تحمیق کن!]) تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا، طعنه زنند).

غالب مفسران مضمون آیه را «تحریف» می‌دانند اما در این‌که تحریف لفظی است یا معنوی و تورات است یا متن دیگری و موضعش چیست اختلاف دارند، به عنوان نمونه: طبری منظور آیات را تبدیل تورات می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۷۵). فخر رازی ذیل این آیه سه معنای ممکن برای تحریف بر می‌شمرد: ۱- تحریف لفظی صریح در تورات ۲- تحریف معنوی و تأویلی ۳- تحریف سخنان رسول‌الله (ص).

فخر رازی قول دوم را قوی‌تر می‌داند او قول اول را ممکن، اما بعید می‌داند زیرا تورات شیوع و تواتر نقل داشته است اما از سوئی، به سبب کم بودن عالمان یهود، چنین تحریفی ممکن اما دشوار است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۹۳). بیضاوی هر دو نوع تحریف را از آیه قابل برداشت می‌داند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۷۷). سیوطی نیز منظور را تحریف حدود خدا در تورات می‌داند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۶۸).

شیخ طوسی تحریف مندرج در این آیه را تحریف معنوی و تأویلی می‌داند (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۱۳). طبرسی به نقل از مجاهد معنای تحریف را کتمان صفات رسول‌الله (ص) در تورات می‌داند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۸۵). علامه طباطبائی تحریف در این آیه را صریح در تحریف الفاظ تورات نمی‌داند و آن را قابل تفسیر به معانی متعددی از جمله تحریف معنوی و



تأویلی می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ج ۴، ص ۳۶۴). آیت الله مکارم به قرینه جمله سمعنا و عصینا، تحریف را لفظی می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۰۴).

۳- «فَبِمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (المائدة: ۱۳).
(ولی بخاطر پیمان شکنی، آن‌ها را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم؛ سخنان (خدا) را از موردش تحریف می‌کنند)

مفسران این آیه را قابل تطبیق بر معانی مختلفی بر تحریف (لفظی، معنوی، یه زیاده، به نقصان و...) می‌دانند (به عنوان نمونه: طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۴۷۰؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۶۷؛ طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ج ۵، ص ۲۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۱۲). هرچند فخر رازی در اینجا نیز تحریف معنوی را اولی می‌داند و شیوع تورات را مانع تحریف لفظی آن می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۳۲۵).

۴- «وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ بِبَيِّنَاتٍ مِّنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ» (المائدة: ۴۱). (گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می‌دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند؛ آن‌ها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند؛ آن‌ها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می‌کنند)

مفسران این آیه را (شأن نزول آیه در مورد تغییر حکم رجم زانی محصنه به حکم دیگری از یوب علمای یهود است). نیز قابل تطبیق بر معانی مختلفی از تحریف می‌دانند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۲۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۳۵۹؛ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۵۲۳؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۰۱ و...). علامه طباطبائی با توجه به شأن نزول آیه، موضع آیه را تنها تحریف حکم رجم در تورات در آن واقعه خاص می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ج ۵، ص ۳۴۰).

از آن‌چه گذشت روشن می‌شود عمده دلیل مفسران در اثبات تحریف لفظی قرآن کریم آیه ۷۹ سوره مبارکه بقره است و سایر آیات قرآن غالباً بر این مضمون دلالت دارند که یهودیان مدینه، حقایق مندرج در کتب خود را کتمان می‌نمودند نه تحریف (رک: البقره: ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۷۴؛ آل عمران: ۷۱، ۱۸۷؛ الأنعام: ۹۱؛ النساء: ۴۲؛ المائدة: ۶۱ و...).

۲. بررسی آیات دال بر تصدیق

در برابر آیات دال بر تحریف، آیات فراوانی دلالت بر تصدیق عهدین و کتب موجود نزد اهل کتاب (به ویژه یهودیان مدینه). دارند از جمله آیاتی چون:

«وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ» (البقرة: ۴۱) (و به آنچه نازل کرده‌ام [= قرآن] ایمان بیاورید! که نشانه‌های آن، با آنچه در کتابهای شماست، مطابقت دارد)

«وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (البقرة: ۸۹) (و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند). با این همه، هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد!)

«نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ» (آل عمران: ۳) (همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه‌های کتب پیشین، منطبق است؛ و «تورات» و «انجیل» را). (همچنین رک: آل عمران: ۵۰؛ آل عمران: ۹۳؛ المائدة: ۴۳؛ المائدة: ۴۶؛ المائدة: ۶۸؛ الأعراف: ۱۵۷؛ الصف: ۶ و...)

غالب مفسران کهن اسلامی، برای جمع بین نظریه تحریف و آیات مذکور، این آیات را «مجمّل» می‌دانند و معتقدند این دست آیات، دلالتی بر تأیید «کل» تورات و انجیل متداول در زمان رسول الله (ص) ندارند؛ آلوسی منظور آیات تصدیق را تأیید بخش‌هایی از تورات می‌داند که منطبق با اصل دین و ملت هستند (توحید و عدل و...). و قسمت‌های نسخ نشده مانند قصص و مواعظ و برخی احکام (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۷۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۶). بسیاری از مفسران معتقدند منظور آیات تصدیق، تصدیق قرآن در مورد اوصاف پیامبر در تورات و انجیل است، زیرا اوصاف آن حضرت در تورات و انجیل قطعاً مکتوب بوده است (الأعراف: ۱۵۷). (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۴۸۳، ۶۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۶۳؛ طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۵؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۹، ۳۲۹، ج ۲، ص ۷۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۰۴).

خلاصه آن‌که این مفسران معتقدند منظور آیات تصدیق، تأیید کتب اصلی و غیر مُحرّف یا تأیید بخشی از کتب قدیمی است که تحریف نشده است. لذا آیات، دلالتی بر عدم تحریف تورات و انجیل موجود در زمان پیامبر را ندارند (طباطبائی، ۱۳۵۳ش، ج ۳، ص ۲۱۰، ص ۳۱۵). در برابر عده‌ای این آیات را صریح در تأیید کل عهدین موجود و متداول در زمان رسول الله (ص) می‌دانند (ر.ک: طباطبائی و همکاران، ۱۳۹۸). برخی دیگر نیز معتقدند اصولاً منظور



قرآن کریم از «کتاب» و تورات و انجیل، یک متن مشخص نیست، بلکه مجموعه عقاید و گفتارهای اهل کتاب است (ر.ک: احمدی، ۱۳۹۱).

۳. بررسی مضمون روایات

در مورد تحریف تورات و انجیلی که در دوران صدر اسلام و در زمان حیات ائمه اطهار(ع) موجود بوده است چند دسته روایت وجود دارد:

۳-۱. روایات دال بر تحریف خاص

مضمون گروهی زیادی از روایات، دلالت بر تحریف مضیق و خاص دارند، این روایات اصلی‌ترین موضوع تحریف تورات و انجیل را اوصاف رسول الله(ص) می‌دانند به این شرح که وجود نام، القاب و اوصاف حضرت رسولص و حتی ائمه اطهار و اصحاب و یاران (الفتح: ۲۹). در تورات و انجیل و سایر کتب مقدس قدیمی اهل کتاب امری است مسلم (ر.ک: الأعراف: ۱۵۷؛ الصف: ۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۲۹، ۱۱۷/۲۵/۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۱۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۹۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ب: ص ۴۱ و...) در روایات به این اسامی و القاب اشاره شده است. از جمله در روایات، برخی واژگان بر نبی مکرم اسلام(ص) تطبیق داده شده است؛ واژگانی که امروزه در این کتب یافت نمی‌شود (حدأقل ظاهراً) مانند «طاب» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ق، ص ۱۹۲) یا اصل واژه موجود است اما تفسیر مسیحیان چیز دیگری است مانند «الْبَارْقَلِيطُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۶) در مورد واژه بارقلیطا (که اکنون به صورت فارقلیط، بارکلیت نگاشته می‌شود (یوحنا، ۱۴: ۱۶))، در سالیان گذشته بحث‌های مفصلی رخ داده است. گروهی سعی در انطباق آن با رسول الله(ص) داشته و معتقدند این واژه برگرفته از periclutos به معنای برگزیده یا ستوده (احمد) و برخی دیگر این انطباق را نادرست و آن را برگرفته از واژه paraclutos به معنای تسلی‌دهنده، دل‌داری‌دهنده و منطبق با جبرائیل می‌دانند؛ برخی نیز اصل این انطباقات را نادرست و مضر می‌دانند.

در مورد واژه طاب، تا کنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. در روایتی از ابن عباس آمده است: «قِيلَ إِنَّ اسْمَهُ فِي التَّوْرَةِ مَاد مَاد وَ صَاحِبُ الْمَلْحَمَةِ وَ كُنْيَتُهُ أَبُو الْأَرَامِلِ وَ اسْمُهُ فِي الْإِنْجِيلِ الْفَارْقَلِيطُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۱۲۰) با توجه به عبارتی عبرانی و معادل سریانی آن در تورات، شاید واژه طاب در این بخش از تورات مورد اشاره قرار گرفته باشد و معادل ماد باشد:

عبرانی: «اتو هفرتی اتو دهربتی اتو بماماد ماد» سریانی: «دعال اسمعیل شمعتک ها برکنه و اسکته و اکبرته طاب طاب»

این نقل ابن شهر آشوب نیز جالب توجه است:

«و فی التَّوْرَةِ مِیْدَمِیْدَ اَی عَفُورَ رَحِیْمٍ وَ قِیْلَ مِیْدَمِیْدَ اَی مُحَمَّدٌ وَ قِیْلَ مِوْدَمِوْدٌ وَ فِی حِکَایَةِ اَنَّ اِسْمَهُ فِیْهَا مَرْقُوفًا اَی الْمَحْمُودُ. وَ فِی الزَّبُورِ قَلِیْطًا مِثْلُ اَبِی الْقَاسِمِ فَقَالُوا بَلْقِیْطًا وَ قَالُوا فَاوُوقُ وَ قَالُوا مَحْیَانًا. وَ فِی الْاِنْجِیْلِ طَابَ طَابَ اَی اَحْمَدَ وَ یَقَالُ یَعْنِی طَیْبٌ طَیْبٌ وَ فِی کِتَابِ شِیْعَا نُورُ الْاُمَمِ رُكْنُ الْمُتَوَاضِعِیْنَ رَسُوْلُ التَّوْبَةِ رَسُوْلُ الْبَلَاءِ. وَ فِی الصُّحُفِ بَلْقِیْطًا (مَلْقِیْطًا) وَ فِی صُحُفِ شِیْثِ طَالِیْثَا (طَالِیْسَا) وَ فِی صُحُفِ اِدْرِیْسَ بَیْثَائِلَ وَ فِی صُحُفِ اِبْرَاهِیْمَ مِوْدَمِوْدُ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۱۵۱).

برای دیدن خلاصه‌ای از نظرات و تحلیل‌ها رک: سلیمانی، قرآن کریم و بشارت‌های پیامبران؛ روحی، احمد(ص) پیامبر موعود) اهل کتاب منتظر آمدن او بوده (البقره: ۸۹). و پس از ولادت و بعثت، بزرگان یهود مانند پسران خود رسول الله(ص) را می‌شناختند (البقره: ۱۴۶). و عاقبت پیروزی اسلام و غلبه بر عرب را نیز کاملاً می‌دانستند (البقره: ۸۹). (در نقل جالبی آمده است، یهودیان نه تنها خود می‌دانستند که پیامبر(ص) بر عرب پیروز خواهد شد، بلکه به دیگرانی نیز این سخن را گفته بودند و برخی اصحاب رسول الله(ص) از روی «طمع» اسلام آوردند، البته به مقصود خود نیز رسیدند! (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰، ص ۱۸۵) ولی زعمای یهود که به «کتب» دسترسی داشتند در زمان رسول الله(ص) آن را مخفی می‌نمودند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۰).

آنان برای حفظ ریاست خود بر مستضعفین یهود و برای شانه‌خالی نمودن از یاری رسول الله(ص) آن اوصاف را تغییر دادند و به عموم اهل کتاب اعلام کردند که رسول آخر الزمانی، پانصد سال بعد مبعوث خواهد شد (حسن ابن علی(ع)، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۹۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۷). عمده روایات ذیل آیاتی چون آیه ۷۵ و ۷۹ سورة بقره، موضوع تحریف را اوصاف رسول الله(ص) دانسته‌اند.

«هَذَا الْقَوْمُ الْيَهُودُ كَتَبُوا صِفَةً زَعَمُوا أَنَّهَا صِفَةُ مُحَمَّدٍ (ص) وَ هِيَ خِلَافُ صِفَتِهِ وَ قَالُوا لِلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنْهُمْ هَذِهِ صِفَةُ النَّبِيِّ الْمَبْعُوثِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِنَّهُ طَوِيلٌ عَظِيمٌ الْبَدَنِ وَ الْبَطْنُ أَهْدَفُ أَصْهَبُ الشَّعْرِ وَ مُحَمَّدٌ صِخْرٌ بِخِلَافِهِ وَ هُوَ يَجِيءُ بَعْدَ هَذَا الزَّمَانِ بِخَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ وَ إِنَّمَا أَرَادُوا بِذَلِكَ أَنْ تَبْقَى لَهُمْ عَلَى ضِعْفَائِهِمْ رِئَاسَتُهُمْ وَ تَدْوُمَ لَهُمْ إِصَابَتُهُمْ وَ يَكْفُوا أَنْفُسَهُمْ مَثْوُونَ خِدْمَةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ خِدْمَةَ عَلِيِّ (ع) وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ خَاصَّتِهِ... (حسن ابن علی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۷) هم مضمون و



هم‌سیاق با این روایات، روایتی است که آیاتی ناظر به تحریف «کلام» (مانند النساء: ۴۶، المائدة: ۱۳، المائدة: ۴۱). را به راندن امیرالمؤمنین (ع) از جایگاه ولایت تأویل نموده زیرا «کلمه» همان ولایت است (زخرف: ۴۳؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۶۳). این روایت نیز معنایی مضیق و خاص از تحریف به دست می‌دهد.

هم‌آهنگ با روایات تحریف در موضوع خاص رسالت و ولایت، عمده آیات تصدیق، نیز ناظر به موضوع خاص رسالت رسول الله (ص) و ولایت ائمه اطهار (ع) هستند. مضمون روایات ذیل آیات تصدیق، بر حذر داشتن علمای یهود از انکار ولایت رسول الله (ص). است امری که خود به آن یقین دارند و در کتب ایشان مورد تصریح قرار گرفته است (البقره: ۴۱؛ حسن بن علی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۲۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۴۲). اما آنان به چیزی که یقین داشتند (رسالت رسول الله (ص) و ولایت ائمه). کافر شدند (البقره: ۸۹؛ حسن بن علی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۹۳؛ البقره: ۱۰۱؛ حسن بن علی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۷۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۵۲). تقریباً در تفسیر تمامی آیاتی که موضوع تصدیق، عام به نظر می‌رسند مانند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» (المائدة: ۶۸). روایات کتب شیعی، موضوع را خاص اقامه و تصدیق رسالت و ولایت تفسیر نموده‌اند (رک: قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۳۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۱).

۲-۳. روایات دال بر تحریف عام سابق

مضمون برخی روایات دلالت بر وجود نوعی تحریف عام دارد. مضمون این روایات، زمان وقوع این تحریفات را در دوران اولیه تدوین کتب مقدس می‌دانند. طبق روایتی در تفسیر قمی ذیل آیه ۷۹ سوره بقره، در دوران رسول الله (ص) برخی از یهودیان، با دست‌ان خود چیزهایی می‌نوشتند و تورات و احکامش را تحریف می‌کردند و مدعی می‌شدند این کتاب خدا است، آیه ۷۹ سوره بقره در شأن ایشان نازل شده است: «وَ كَانَ قَوْمٌ مِنْهُمْ يَحْرِفُونَ التَّوْرَةَ وَ أَحْكَامَهَا - ثُمَّ يَدَّعُونَ أَنَّهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۰). همچنین مضامینی در روایات نقل شده است که در تورات اصلی بوده است اما در تورات زمان ائمه وجود نداشته است، این مضامین نیز عام است: «مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ النَّبِيُّ لَمْ يُغَيَّرْ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۹۶).

نقل دیگری نیز در کتاب احتجاج آمده است که در آن امیرالمؤمنین (ع) وقایع پس از رحلت رسول الله (ص) را به وقایع امم پیشین تشبیه نموده در ضمن آن می‌فرماید: «بَعْدَ فَقْدِ الرَّسُولِ بِمِثْلِ

یَقِیْمُونَ بِهِ أَوْدَ بَاطِلِهِمْ حَسَبَ مَا فَعَلْتَهُ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى بَعْدَ فَقْدِ مُوسَى وَ عِيسَى مِنْ تَغْيِيرِ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ تَحْرِيفِ الْكَلِمِ عَنْ مَوَاضِعِهِ» (طبرسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۹). طبرسی به این قول متفرد است و نقل از قرائن صحت خالی. اما مهم‌ترین روایتی که در موضوع تحریف عام انجیل وجود دارد روایتی از مناظرات امام رضا(ع) با علمای اهل کتاب است که در آن ماجرای تغییر انجیل این‌گونه بیان شده است: بعد از عروج حضرت مسیح(ع) انجیل اصلی (الْإِنْجِيلِ الْأَوَّلِ). مفقود می‌گردد، مسیحیان به علمای خویش رجوع نموده و می‌گویند مسیح کشته و انجیل گم شده است؛ چه باید کرد؟!.

لوقا، مرقس، یوحنا و متی گفتند ما تمام انجیل را در سینه‌های خود از حفظ داریم و هر یکشنبه قسمت‌هایی از آن را برای شما می‌خوانیم تا به تدریج جمع شود؛ پس انجیلی که شما مسیحیان اکنون در دست دارید روایت و منقول از این چهار نفر است. اما این چهار نفر، خود چیزهایی به انجیل افزودند مثلاً متی نسبتی برای حضرت مسیح(ع) قرارداد یا مرقس معتقد شد حضرت مسیح(ع) کلمه خدا بوده است که در جسد عیسی حلول کرده و انسان شده است یا لوقا گفت مسیح(ع) و مریم(ع) اول انسان بودند اما روح القدس در آنها رفت و از این دست معجولات.

«لَمَّا افْتَقَدَ الْإِنْجِيلُ الْأَوَّلَ اجْتَمَعَتِ النَّصَارَى إِلَى عُلَمَائِهِمْ فَقَالُوا لَهْمُ قُتِلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ افْتَقَدْنَا الْإِنْجِيلَ وَ أَنْتُمْ الْعُلَمَاءُ فَمَا عِنْدَكُمْ فَقَالَ لَهُمُ الْوَقَا وَ مَرْقَابُوسُ وَ يُوْحَنَّا وَ مَتَّى إِنَّ الْإِنْجِيلَ فِي صُدُورِنَا وَ نَحْنُ نُخْرِجُهُ إِلَيْكُمْ سِفْرًا سِفْرًا فِي كُلِّ أَحَدٍ فَلَا تَحْزَنُوا عَلَيْهِ وَ لَا تَحْلُوا الْكِنَائِسَ فَإِنَّا سَنَسْأَلُوكُمْ فِي كُلِّ أَحَدٍ سِفْرًا سِفْرًا حَتَّى نَجْمَعَهُ كُلَّهُ فَقَعَدَ الْوَقَا وَ مَرْقَابُوسُ وَ يُوْحَنَّا وَ مَتَّى فَوَضَعُوا لَكُمْ هَذَا الْإِنْجِيلَ بَعْدَ مَا افْتَقَدْتُمْ الْإِنْجِيلَ الْأَوَّلَ وَ إِنَّمَا كَانَ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةُ تَلَامِيذًا [تَلَامِيذًا] لِتَلَامِيذِ الْأَوَّلِينَ...» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۴۲۵؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۶۲؛ طبرسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۳۴۷؛ ج ۱۴، ص ۳۳۱).

این روایت دلالت دارد که انجیل نازل شده از سوی خداوند در اولین ماه‌ها و سال‌های پس از عروج حضرت عیسی(ع) به عمد یا سهو مفقود شده است و آن چه اکنون موجود است متونی به یادمانده در حافظه برخی از یاران آن رسولان بوده است که قابل اطمینان نیست، این اولین مرحله تضعیف این کتب بوده است.

قابل توجه است که جمع‌آوری همین کتب نیز با تأخیر تاریخی فراوان مواجه بوده است، نگارش تلمود تا قرن سوم میلادی ادامه داشته و به خصوص در مورد انجیل با سیصد سال تأخیر



این تجمیع انجام شده است. این دومین مرحله تضعیف متون فعلی است و این قرینه‌ای بر امکان تاریخی وقوع تحریف است.

هرچند این روایت با تاریخ مشهور مسیحیان اختلافاتی دارد و با سایر احادیث در مورد جایگاه حواریون سازگار نیست اما در بر دارنده گزارشی از چگونگی تحریف و تغییر انجیل است که در نوع خود ارزشمند است به خصوص که خود مسیحیان حدأقل در مورد انجیل لوقا و مرقس قبول دارند که این دو انجیل توسط دو غیر حواری و سال‌ها بعد از حضرت مسیح(ع) نگاشته شده و این دو نفر حضرت مسیح(ع) را ندیده‌اند. دیگر مؤید وجود تحریفات عام در عهدین، وجود مضامینی است که نادرست و محرف بودن آن‌ها از منظر روایات شیعی امری مسلم است مانند نسبت دادن زنا و کفر با انبیای الهی چون حضرت داوود(ع) و سلیمان(ع) (تنها به عنوان نمونه رک: افسانه حضرت داوود و بتشبع: دوم سموئیل، ۱۱ - ۱۲. افسانه‌هایی در مورد حضرت سلیمان(ع) چون ازدواج با زنان بت پرست مصری و موآبی و... (اول پادشاهان ۱۱: ۱) مشرک شدن حضرت در دوران پیری و پرستش بت‌ها (عشتاروت بت صیدونیاها و ملکوم بت عمونیاها) (اول پادشاهان ۱۱: ۶) عهد قدیم تأکید می‌کند حضرت مانند پدر خود نبود و حتی در کوهی در شرق اورشلیم دو بتخانه برای کموش (بت موآب) و مولک (بت عمون) ساخته و برای همسران بت پرست خود بت‌خانه‌های مستقل ساخته است) مجموع این روایات شارحان روایات را به این نتیجه رسانده است که نوعی تحریف عام در کتب قدیم رخ داده است (رک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۱۲۲).

در تراث روایی شیعی، علاوه بر روایات صریح مذکور، روایاتی در مورد مضامین انجیل وجود دارد که تحریف عام را به صورت غیر مستقیم تقویت می‌نماید از جمله طبق روایاتی انجیل حضرت مسیح(ع) شامل امور زیر بوده است: توحید و اخلاص، تمام تعالیم حضرت نوح(ع) ابراهیم(ع) و موسی(ع) و اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، حکم حرمت و حلیت تمام چیزهای حرام و حلال و مقدار فراوانی امثال و حکم (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۷۵؛ ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۶۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۲۳۴). اما موارد زیر در انجیل نازل نشد: قصاص، حدود و دیات و احکام ارث (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۷۵؛ راوندی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۱۴۶؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۶۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۲۳۴). فقدان برخی و وجود برخی از این مضامین، احتمال تحریف به حذف را تقویت می‌نماید.

از سوئی آنچه به ویژه تحریف تورات را تضعیف می‌نماید آن است که، طبق آیات و روایات تورات تا زمان حضرت مسیح(ع) بدون تحریف وجود داشته یا حداقل اگر هم تحریف شده توسط تعلیمات حضرت مسیح(ع) اصلاح گردیده و کتاب تورات مورد تأیید و تبلیغ حضرت عیسی(ع) بوده است (الصف: ۶؛ المائدة: ۴۶ و ۱۱۱) و: گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیاء را باطل سازم نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم... (متی، ۱۷: ۵) و اگر از تحریف تورات سخن گفته می‌شود منظور تحریف آن بعد از دوران حضرت مسیح(ع) است.

۳-۳. روایات دال بر تحریف عام و خاص لاحق

اما مشکل‌ترین بخش روایات، روایاتی است که به عباراتی از عهدین اشاره نموده‌اند که موضع آن رسالت نبی اکرم(ص) و سایر موضوعات عام توحیدی و... است و مورد اذعان و قبول یهودیان و مسیحیان آن دوران بوده است (در عهدین آن زمان وجود داشته است). اما از آن متون در تورات و انجیل فعلی خبری نیست. به عنوان نمونه در مناظرات بین حضرت امام رضا(ع) و علمای یهود و نصاری، رأس جالوت و جاثلیق تمامی جملات منقول از تورات و انجیل از سوی حضرت را می‌پذیرند (رک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۴۲۵؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۶۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲، ص ۴۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۳۴۷؛ ج ۱۴، ص ۳۳۱).

در مناظرات رسول الله(ص) با یهودیان، حضرت به نام خود و امیرالمؤمنین، حسنین و حضرت زهرا(ع) در تورات اشاره می‌نمایند و علمای یهود نیز این سخن را می‌پذیرند: «...هی بِالْعِبْرَانِيَّةِ طاب ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ هَذِهِ الْآيَةَ- يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ- وَ مُبَشَّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ(ص) وَ فِي السِّطْرِ الثَّانِي اسْمُ وَصِيِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ(ع) وَ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ سِبْطِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ فِي الْخَامِسِ أُمَّهُمَا فَاطِمَةُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ فِي التَّوْرَةِ اسْمُ وَصِيِّ إِبْرَاهِيمَ وَ اسْمُ سِبْطِي شَبْرٌ وَ شَبِيرٌ وَ هُمَا نُورَا فَاطِمَةَ(ع) قَالَ الْيَهُودِيُّ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۹۲؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۳۳۲) (برای دیدن نمونه‌های بیشتر رک: نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۰۰؛ خصیبه، ۱۴۱۹ق، ص ۱۴۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ق، ص ۱۸۴؛ به خصوص: ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۳).

برخی علمای قدیم، نام تمامی چهارده معصوم را در عهدین ذکر کرده است:

«و قد جاء أسماءهم في التوراة و هي بمادامد إيليا فتدوران أبريل مشطور مشموط

و ذورمر مشوذ هراز شمويد نشطور يوقش فيثمور. و روى عبد الله ابن عياش في



المقتضب نوعاً آخر و هو شموعیل شماعیشخواوهتی پیرحنی ایثو بمایذشیم عوسور
بسمن بولید وثیر الغوی قویوم کوزو أعان لا مذود وهوی. و أسماؤهم فی الإنجیل من
المقتضب أيضا تقویث فیدوار بیرا مقشورا مشموعوا ذوموه مشعوهذاذ یثموا بطون
نوقش فیدموا» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۳۰۱) این نقل روایت
نیست و از قول مفسران آمده است.

غریب بودن مضمون این روایات از آن رو است که پذیرش وجود متونی در عهدین که
پس از دوران امامت ائمه به تدریج حذف شده باشند با توجه به تعدد نسخ قدیمی و گستره
پخش عهدین (به خصوص بعد از سال ۳۵۰ م). دشوار می‌نمایاند و نسخ قدیمی موجود از
عهدین، با نسخ موجود تطابق فراوانی دارد. اما یافت شدن اسناد جدیدی چون اسناد بحر
المیت (سفر خروج و کتاب سموئیل اسناد بحر المیت تفاوت زیادی با کتب رائج دارد، ۶۰ درصد
این متون نیز جدید هستند و در کتب رائج وجود ندارد. ضمن این که ۲ جلد از این مجموعه
۴۱ جلدی منتشر نشده است که احتمالاً مضامین بسیار مهمی را در بردارد به گونه‌ای که انتشارات
آکسفورد رسماً اعلام کرده است به دلایل مذهبی و سیاسی از انتشار این اسناد خودداری نموده
است؛ بر اساس این اسناد برخی پژوهشگران قائل‌اند، تورات تا سال ۱۰۰۰ م متنی شناور و متغیر
بوده است و از حدود سال ۱۰۰۰ م متون فعلی رواج یافته‌اند.) و اصل اشاره به برخی مضامین
عهدین در روایات ما که اکنون وجود ندارد، این احتمال را که عهدین به تدریج تحریف شده و
فرآیند تحریفشان حتی بعد از اسلام نیز ادامه یافته‌باشد تقویت می‌کند.
قابل ذکر است تا جایی که جستجو شد، روایتی صریح بر عدم تحریف عهدین در جوامع
روائی شیعی وجود ندارد.

۳-۴. جمع بین مضمون آیات و روایات

در مقام جمع بین آیات تصدیق و تحریف و روایات دال بر انواع تحریف برخی از اندیشمندان
آیات تصدیق را محکم و سایر آیات و روایات را متشابه و قابل حمل بر تحریف معنوی دانسته‌اند
(رک: طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۸ و: فاریاب، ۱۳۸۸). طباطبائی معتقد است اصولاً بعد از کتاب
«الفصل» ابن حزم اندلسی در قرن پنجم، انگاره تحریف در میان مسلمانان جاافتاده و تا قبل از
آن این قول، طرفداران اندکی داشته است. اما از سوی دیگر عموم مفسران جهان اسلام و شارحان

روایات، آیات و روایات تحریف را محکم و آیات تصدیق را ناظر به موضوع خاصی تفسیر نموده‌اند.

برای جمع بین آیات و مضامین مختلف روایات، از منظر نویسنده این مقاله، باید نکات زیر را در نظر داشت:

۱- صراحت روایات، و تحلیل مضمونی کتب موجود، مسأله تحریف و وجود تفاوت بین تورات و انجیل اصلی و فعلی را قطعی می‌نماید. به عبارتی یک قرینه خارج از متن قرآن کریم برای اثبات تحریف لفظی وجود دارد و آن روایات قابل اتکاء و متن عهدین موجود است. قاعده جمع بین ادله و مضامین، مقتضی عدم تعارض عام و خاص است، به عبارتی، روایات ناظر به وقوع تحریفات در موضوعات عام قابل قبول است و روایاتی که بر تحریف در مسأله رسالت و ولایت دلالت دارند، از باب ذکر خاص بعد از عام و تأکید و اهمیت مسأله است، در واقع منظور روایات آن بوده است که «در کتب اهل کتاب در عموم مسائل تحریف رخ داده است اما اصلی‌ترین و مهم‌ترین تحریف، تحریف مسأله رسالت بوده است» مسأله کانونی و مهم آیات و روایات، مسأله بشارت به رسول الله (ص) در این کتب است و مهم‌ترین موضوع تحریف نیز در این کتب، بشارت‌های این کتب به رسول الله (ص) است و تأکید از این باب است.

۲- به نظر می‌رسد وجه جمع بین روایات و آیات تحریف با روایات و آیات تصدیق این کتب، آن باشد که: «با وجود تحریف‌های رخ داده در عهدین در مورد بشارت به رسول الله (ص)، همین نسخه‌های تحریف‌شده موجود نیز دارای مضامین و نشانه‌هایی هستند که حجت را بر شما اهل کتاب تمام کرده و شما می‌توانید حقانیت رسول الله (ص) را دریابید؛ حتی نام رسول الله (ص) در همین کتب تحریف‌شده موجود است (الأعراف ۱۵۷). و علی‌رغم تفسیر نادرست برای عوام، خواص حقیقت مسأله را می‌دانند» به عبارتی وجه جمع بین آیات و روایات، تأکید بر وقوع تحریف در عین تأکید بر حجت بودن مکتوبات موجود است؛ سخن آن است که بین محرف بودن و حجت نبودن ملازمه برقرار نیست، زیرا ممکن است علی‌رغم تحریفات عام و خاص، همچنان برخی نشانه‌ها از تحریف سالم مانده باشند و همین میزان از حقیقت موجود در میان تحریفات، حجت را بر علمای اهل کتاب تمام نماید. اما به نظر می‌رسد در روزگار ما، با توجه به عدم دسترسی به قرائن موجود نزد علمای اهل کتاب حجاز زمان رسول الله (ص)، ترجمه‌های فراوان و مخلوط شدن مفاهیم، تفسیرهای جاافتاده در سنت مسیحی و یهودی از نشانه‌ها، معجول دانستن و رد انجیل‌های هماهنگ با عقاید اسلامی (انجیل برنابا). در فضای عمومی مسیحیت معاصر و...



اثبات وجود علائم و به خصوص نام رسول الله (ص) و اصحابشان در متون فعلی دشوار است و حجت را بر عموم مسیحیان معاصر تمام نخواهد نمود.

۳- به نظر می‌رسد قول قابل دفاع‌تر در مسأله زمان تحریف عهدین، با توجه به داده‌های تاریخی و روایی آن است که اصل تغییرات و تحریفات در ابتدای جمع‌آوری این کتب بوده است و مضامینی که در روایات وجود داشته و اکنون موجود نیست احتمالاً تحریف به صورت تغییرات جزئی مبتنی بر اختلاف قرائات و املائی لغات بوده است.

۴- در آیات و روایات گاه، در کنار تورات و انجیل به عنوان کلی «کتاب» اشاره شده است (آل عمران: ۴۸؛ المائده: ۱۱۰). لذا به احتمال قوی، منظور از تورات و انجیل در روایات، مجموعه کتب نزد اهل کتاب بوده است. ذکر برخی متون در روایات و نسبت دادن آن به کتب قدیمی، احتمالاً ناظر به کل میراث مکتوب اهل کتاب، یا کتب خاصی است که در آن زمان موجود بوده و اکنون از میان رفته است. به خصوص محتمل است در حجاز و به واسطه فاصله از کانون اهل کتاب در اورشلیم و روم، نسخه‌هایی از تورات و انجیل مرسوم بوده باشد که نسخه‌های معمول مسیحیان و یهودیان نبوده باشد. این احتمال در مورد انجیل بیشتر و در مورد تورات کم‌تر است.

۵- یکی از نکاتی که در جمع بین روایات یاری رسان است توجه به این نکته است که تحریف‌های مورد نظر آیات و روایات، غالباً به صورت کتمان، ترجمه اسامی عکم و خاص، به معانی تحت اللفظی آنها تعیین مصادیق دیگر و... در زمان خود رسول الله (ص) و در محدوده حجاز رخ داده است و ای بسا از آن نسخ تحریف شده اکنون چیزی باقی نمانده باشد.

لذا به نظر می‌رسد، علی‌رغم نظر برخی محققان معاصر، اصل وقوع تحریف در عهدین از منظر روایات شیعی، امری مسلم است، هرچند دلالت روایات بیشتر در حوزه تحریف خاص در موضوع رسالت و ولایت است و وقوع تحریفات عام باید با دلایل خاص اثبات شود.

نتایج تحقیق

۱- آیات قرآن کریم در مورد تحریف عهدین، مضامین روشنی ندارند، دسته‌ای از آیات مفید معنای تحریف و دسته‌ای دیگر مفید معنای تصدیق هستند؛ اما روایات شیعی دلالت دارند که تحریف خاص در مسأله رسالت و ولایت و تحریف‌های عام در حوزه توحید و قصص انبیاء و... در عهدین رخ داده است.

۲- مضمون روایات، زمان وقوع این تحریفات را عموماً در دوران اولیة تدوین کتب مقدس می‌دانند هرچند روایاتی دلالت بر تحریف عام و خاص متأخر نیز دارند.

۳- عموم مفسران قرآن کریم، تحریف عهدین را پذیرفته‌اند اما در مقالات علمی پژوهشی جدید این تفاسیر با چالش مواجه شده است. مقاله، با تمرکز بر روایات شیعی نشان داد که قول تحریف عهدین، قابل دفاع است معنای حاصل از وجه جمع بین مضامین مختلف آیات و روایات آن است که: با وجود تحریف‌های رخ داده در عهدین در مورد بشارت به بعثت رسول الله (ص)، نسخه‌های موجود تحریف‌شده نیز دارای مضامینی هستند که حجت را بر عالمان اهل کتاب تمام می‌نماید حتی نام رسول الله (ص) در همین کتب تحریف‌شده موجود است (الأعراف ۱۵۷). و علی‌رغم تفسیر نادرست برای عوام، خواص اهل کتاب حقیقت مسأله را می‌دانند.

۴- نگارنده معتقد است در روزگار ما، با توجه به عدم دسترسی به قرائن موجود نزد علمای اهل کتاب حجاز زمان رسول الله (ص)، ترجمه‌های فراوان و مخلوط‌شدن مفاهیم، تفسیرهای جاافتاده در سنت مسیحی و یهودی از نشانه‌ها، مجعول دانستن و رد انجیل‌های هماهنگ با عقاید اسلامی (انجیل برنابا). در فضای عمومی مسیحیت معاصر و... اثبات وجود علائم و به خصوص نام رسول الله (ص) و اصحابشان در متون فعلی دشوار است.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

الوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا (ع)*، تهران: نشر جهان.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی (بی‌تا)، *علل الشرایع*، قم: داوری.

ابن حزم (۱۴۰۵ق)، *الفصل فی الملل و الاهواء و النحل*، تحقیق محمدابراهیم نصر و عبدالرحمان

عمیره، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب، محمد ابن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل ائمه علیهم السلام*، قم: علامه.



احمدی، محمد حسن (۱۳۹۱ش)، «تأملی در تفسیر آیه شریفه یحرفون الكلم عن مواضعه»، *مطالعات تفسیری*، شماره ۱۰.

بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴ش)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه بعثت.

بهرامی، محمد (۱۳۸۲ش)، «نقد مستندات قرآنی نظریه تحریف کتاب مقدس»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۳۳.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

توفیقی، حسین (۱۳۹۵ش)، *تفسیر پنج موضوع قرآنی*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

حسن بن علی، عسکری (امام یازدهم (ع)) (۴۰۹ق)، *التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)*، قم: مدرسه امام مهدی (عج).

خصیبی، حسین بن حمدان (۴۱۹ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت: البلاغ.

راوندی، قطب‌الدین (۱۳۸۸ش)، *قصص الأنبياء*، تحقیق: عبدالحلیم عوض الحلی، قم: مکتبه العلامة المجلسی.

زادیک، دانیل (۱۳۸۸ش)، «مباحثات دینی شیعیان امامی با یهودیان در اواخر قرن هجدهم و نیمه نخست قرن نوزدهم میلادی»، ترجمه جواد مرشدلو، *آینه پژوهش*، شماره ۱۱۶ و ۱۱۷.

سلامی، احمد؛ ایازی، سید محمدعلی (۱۳۹۷ش)، «مقصود از تورات و انجیل در قرآن»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۸۶.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).

صفار، محمد بن حسن (۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۵۳ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، محمدعلی (۱۴۰۱ش)، *تاریخ تحریف باوری در اسلام*، تهران: نشر نی.

طباطبایی، محمدعلی؛ مسعودی، عبدالهادی؛ مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۹۸ش)، «تحلیل کاربردشناختی آیات تصدیق برای پاسخ به مسأله تحریف تورات و انجیل»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*.

- طبرسی، احمد ابن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، محقق و مصحح: خرسان، محمد باقر، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان*، تحقیق: رسولی، هاشم، و یزدی طباطبایی، فضل الله، بیروت: دار المعرفه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، و عاملی، احمد حبیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عیاشی، محمد ابن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: مطبعة علمیه.
- فاریاب، محمد (۱۳۸۸ش)، حسین، تحریف تورات و انجیل از دیدگاه قرآن، معرفت، شماره ۱۴۳.
- فتحی، علی (۱۳۸۸ش)، «قرآن کریم و موضوع تحریف گری اهل کتاب به ویژه یهود»، *قرآن شناخت*، شماره ۴.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر.
- قمی، علی ابن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء تراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مسعودی، فروغ؛ صادق نیا، مهرباب (۱۳۹۶ش)، «الهامی بودن تورات به روایت قرآن کریم و سنت دینی یهود»، *پژوهش های ادیانی*، پاییز و زمستان، شماره ۱۰.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، قم: المؤتمر العالمی لآلئیه الشیخ المفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *المسائل السرویة*، قم: المؤتمر العالمی لآلئیه الشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نعمانی، ابن ابی زینب محمد ابن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبة للنعمانی*، تهران: صدوق.

وات، ویلیام موننگمیری (۱۳۸۹ ش)، اسلام و مسیحیت در عصر حاضر، گامی برای گفت و گو، مترجم خلیل قنبری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

<https://islamonline.net/en/muhammad-in-the-bible>

Bibliography:

The Holy Qur'an.

- Ahmadi, Mohammad Hassan. (2012) "A Reflection on the Interpretation of the Noble Verse Yahrfun al-Kalam on Mawazeeh", Exegetical Studies, No. 10.(in Persian)
- Alousi, Mahmoud bin Abdullah. (1994) Ruh al-Ma'ani Fi Tafsir al-Qur'an al-'Azeem Va Al-Sab al-Mathani, Beirut: Dar al-Kitab Al-Elamiya.(in Arabic)
- Ayashi, Muhammad Ibn Masoud. (1960) Tafsir Al-Ayyashi, Tehran: Elmiye.(in Arabic)
- Bahrani, Mohammad.(2012) "Criticism of Quranic Documents and the Theory of Bible Distortion", Quranic Researches, Spring, No. 33.(in Persian)
- Bahrani, Seyyed Hashim Ibn Suleiman. (1954) Al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Ba'ath Foundation. (in Arabic)
- Beidawi, Abdullah bin Umar. (1997) Anwar al-Tanzil Va Asrar al-Taawil, Beirut: Dar Ihiya al-Trath al-Arabi.(in Arabic)
- Faiz Kashani, Muhammad bin Shah Morteza. (1994) Tafsir al-Safi, Tehran: Al-Sadr Library.(in Arabic)
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar. (1999) Al-Tafsir al-Kabir, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.(in Arabic)
- Faryab, Mohammad Hossein (2009) "Distortion of the Torah and the Bible from the perspective of the Qur'an", Marafat, No. 143.(in Persian)
- Fathi, Ali. (2008) "The Holy Qur'an and the issue of distortion by the Ahli Kitav, especially the Jews", Qur'an of Knowledge, No. 4.(in Persian)
- Hassan Ibn Ali, Askari (11th Imam, p.u.h) (1988). Al-Tafsir al-Mansoob ila Imam al-Hasan al-Askari, Qom: Madrasah of Imam Mahdia.(in Arabic)
- <https://islamonline.net/en/muhammad-in-the-bible/>
- Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali. (1956) Al Amali, Tehran: Ketabchi.(in Arabic)
- Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali. (1958) Oyoon e Akhbar al-Reza(p.u.h) Tehran: Jahan publication.(in Arabic)

- Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali. (1975) Kamal al-Din Va Tammam al-Neema, Tehran: Islamia.(in Arabic)
- Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali. (1977) Al-Tawhid, Qom: Jamiat Madrasin.(in Arabic)
- Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali. (No Date) Ilal O Al-Shari'ye, Qom: Davari.(in Arabic)
- Ibn Hazm. (1405 AH) Al-Fasl Fi Al-Millam and Al-Ahwa and Al-Nihal, published by Mohammad Ebrahim Nasr and Abd al-Rahman Omira, Beirut.(in Arabic)
- Ibn Shahr Ashub Mazandarani, Muhammad Ibn Ali. (1959) Manaqib Al Abi Talib, peace be upon him, Qom: Allameh.(in Arabic)
- Kalini, Muhammad Ibn Yaqoob. (1986) Al-Kafi, Tehran: Islamiyya.(in Arabic)
- Khasibi, Hussein bin Hamdan. (1998) Al-Hadaiya al-Kubra, Beirut: Al-Balagh.(in Arabic)
- Majlisi, Mohammad Baqir. (1982) Bihar al-Anwar al-Jamaa le dorar Al-Akhbar al-Imath al-Athar, Beirut: Dar Ehiya Tarath al-Arabi.(in Arabic)
- Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi. (1983) Mira't al-Aqool Fi Sharh Akhbar Al-Ar-Rasoul, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.(in Arabic)
- Makarem Shirazi, Nasser, and colleagues. (1995) Tafsir e Nemune, Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyyah.(in Persian)
- Masoudi, Forough; Sadeghnia, Mehrab. (2016) "The inspiration of the Torah according to the narration of the Holy Quran and the Jewish religious tradition", Religious Researches, Autumn and Winter, No. 10.(in Persian)
- Mofid, Muhammad bin Muhammad. (1992) Al-Ekhtesas, Qom: The International Conference of the Millennium of Sheikh Al-Mufid.(in Arabic)
- Mofid, Muhammad bin Muhammad. (1992) Al-Masael Al-Sarwiyyah, Qom: The International Conference of the Millennium of Sheikh Al-Mufid.(in Arabic)
- Nomani, Ibn Abi Zeinab Muhammad Ibn Ibrahim (1976). Al-Ghiba Le-Nomani, Tehran: Sadouq.(in Arabic)
- Qomi, Ali Ibn Ibrahim (1983). Tafsir al-Qami, Qom: Darul Kitab.(in Arabic)
- Rawandi, Qutbuddin (2009), Stories of the Prophets, research: Abdul Halim Awad Al-Halli, Qom: Al-Allama Al-Majlisi School.(in Arabic)
- Safar, Muhammad bin Hassan. (1983) Basair al-Darajat Fi Faza ele Ale Muhammad(p.u.t), Qom: Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi School.(in Arabic)

- Salami, Ahmed; Ayazi, Seyyed Mohammad Ali. (2017) The meaning of "Torah and Bible" in the Qur'an, Qur'anic Researches, No. 86.(in Persian)
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr. (1983) Al-Dor Al-Manthur fi al-Tafseer be Al-Ma'thur, Qom: School of Ayatollah Azami al-Marashi al-Najafi.(in Arabic)
- Tabari, Muhammad bin Jarir. (1991) Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marafa.(in Arabic)
- Tabarsi, Ahmad Ibn Ali. (1982) Al-Ihtijaj Ala Ahl al-liJajj, researcher and proofreader: Khorsan, Mohammad Baqir, Mashhad: Morteza Publishing.(in Arabic)
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1987) Majmam al-Bayan, research: Rasouli, Hashem, and Yazdi Tabatabai, Fazlullah, Beirut: Dar Al-Marafa.(in Arabic)
- Tabatabaei, Mohammad Ali; Masoudi, Abdul Hadi; Mahdavidad, Mohammad Ali (2018). A pragmatic analysis of the verses of affirmation to answer the problem of distortion of the Torah and the Bible, research paper on the interpretation and language of the Quran.(in Persian)
- Tabatabai, Mohammad Ali. (2022) The history of distorted beliefs in Islam, Tehran: Nei Publishing.(in Persian)
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (1974) Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Al-Alami Foundation for Press.(in Arabic)
- Tawfighi, Hossein .(2015) Commentary on Five Quranic Topics, Qom: University of Religions and Religions.(in Persian)
- Tusi, Muhammad bin Hasan. (No Date) Al-Tabyan Fi Tafsir al-Qur'an, research: Aghabuzur Tehrani, Mohammad Mohsen, and Ameli, Ahmad Habib, Beirut: Dar Ihiya Al-Trath Al-Arabi.(in Arabic)
- Watt, William Montgomery. (2010) Islam and Christianity in the present age, a step for dialogue, translated by Khalil Ghanbari, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.(in Persian)
- Zadik, Daniel (2008). "Religious debates between Imami Shiites and Jews in the late 18th century and the first half of the 19th century AD", translated by Javad Murshidlou, Ayna Gharush, No. 116 and 117.(in Persian)